

رویکرد های مقابله با تهدید نرم علیه منافع امنیتی ج.ا.ا

ع ابراهیم حسن بیگی^۱

چکیده

این مقاله در پی بررسی ادبیات و رویکردهای مقابله با تهدیدات نرم آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می باشد چرا که سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ و اخیراً نیز سند راهبرد امنیت ملی آمریکا (سال ۲۰۰۶)، جمهوری اسلامی و اسلام اصیل را به عنوان تهدید اساسی و محور اصلی در بسیاری از بخش ها مورد چالش منافع آن کشور شناسایی نموده، و به ابعاد مبارزه نرم با منافع امنیت ملی خصوصاً بازیگرانی که دشمن آمریکا تلقی گردیده اند بهای زیادی داده است. این مقاله باتوجه به این راستا هدف گیری شده و حاصل تلاش های محققین آموزشی دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی است که به همت گروهی از استادان و دانشجویان متخصص در موضوع امنیت ملی در قالب مطالعات گروهی طی یک سال تحقیق و پژوهش به دست آمده است.

کلید واژه: تهدید نرم، امنیت ملی، مدیریت تهدید، سیاست امنیت ملی و مقابله.

مقدمه

برهم زدن نظم موجود و استقرار نظم مطلوب در نظام بین‌الملل و در کشورهای مختلف همواره بخشی از تاریخ و راهبرد امنیت ملی آمریکا بوده است. آمریکا در کنار بهره‌گیری از روش‌های سخت‌افزاری در جهت تغییر نظام سیاسی و ایجاد نظام مطلوب، در پنجاه سال اخیر در چارچوب راهبرد امنیت ملی خود همواره از دو الگوی، «تغییرات تدریجی - فروپاشی» و «فروپاشی - تغییرات تدریجی» بهره‌برده است. [۱]

«تغییرات تدریجی - فروپاشی» بر تغییر ارزش‌ها، هنجارها، باورها، عقاید بومی در یک جامعه و نظام سیاسی و جایگزین شدن تدریجی عقاید لیبرالیستی به جای آن و در نهایت اضمحلال و نابودی بدنه یا پوسته نظام سیاسی و نظم مستقر تکیه دارد. در حالی که رویکرد «فروپاشی - تغییرات تدریجی» به براندازی سریع و بنیان‌کنی نظام سیاسی و نظم موجود با محوریت ابزارهای خشونت‌آمیز و سپس ایجاد هنجارها، ارزش‌ها و عقاید لیبرالیستی بر ویرانه‌های نظم قدیم تأکید می‌نماید.

براین اساس راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ مرکز نقل خود را خاورمیانه قرار داده، اسلام‌ناب را تهدید بزرگ امنیت ملی خود دانسته و بر ملت‌سازی و نخبه‌سازی، فرهنگ‌سازی، دولت‌سازی و مذهب‌سازی در چارچوب آموزه‌های لیبرالیستی، به منظور تفوق آمریکا بر نظام بین‌الملل و خصوصاً خاورمیانه توجه زیادی نموده است. [۲] سند امنیت ملی آمریکا (۲۰۰۶) در بخش مبارزه با تروریسم جهانی چهره غیر واقعی از اسلام ارائه و مبارزه با اسلام‌ناب محمدی(ص) و اسلام انقلابی را سرلوحه مبارزه با تروریسم تعریف می‌نماید، هر چند خود را طرفدار اسلام اصلاحی یا معتدل به عنوان اسلام فراگیر مورد قبول آحاد مسلمانان نشان می‌دهد.

بدیهی است چالش و رویارویی انقلاب اسلامی به رهبری ایران و امپریالیسم لیبرالیستی به رهبری آمریکا در منطقه خاورمیانه آغاز گشته است. در این میان عراق، افغانستان، فلسطین، لبنان، سوریه و محیط داخلی جمهوری اسلامی مرکز اصلی این مواجهه و رویارویی است و در واقع این مناطق به صحنه مبارزه اندیشه‌ها، عقاید و در مجموع هژمونی دو طرف تبدیل گردیده است.

برهمن اساس تهدیدات متناسب با ضرورت‌های تفوق هژمونیک آمریکا به منظور ایجاد تفوق و سلطه کامل بر اساس قاعده رضایت یا اقباع (مبتنی بر فریب، عملیات روانی، تبلیغ و...) ابعاد گسترده و پیچیده‌ای پیدا کرده است. آمریکا می‌خواهد در نظام بین‌الملل به عنوان قبه عالم شناخته شود و بر این اساس الگوهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این قبه عالم باید مدل و سرمشق جهان به ویژه دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه، شمال آفریقا و جهان اسلام قرار گیرد. در این چارچوب فرهنگ و مذهب خمیرمایه اصلی و اساسی جهان اسلام و خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشد و ایجاد تغییرات بنیادین در این منطقه از جهان که خود را قبه عالم فکری و فرهنگی تلقی می‌کند، مستلزم ایجاد تغییرات و تعدیلات در فرهنگ و نظام ارزشی - فکری و اخلاقی حاکم بر این جوامع است. [۳]

بنابراین می‌توان احساس کرد که اساس تغییرات در این منطقه تغییر رژیم فرهنگی است و بدون آن ایجاد تغییرات اقتصادی، امنیتی و سیاسی امکان‌پذیر نیست.

بر اساس مباحث ذکر شده خط و محور مواجهه میان جمهوری اسلامی به عنوان قبه عالم فرهنگ اسلامی و اصیل منطقه‌ای و آمریکا به عنوان قبه عالم فرهنگ لیبرالیستی و کاپیتالیستی در چارچوب مسائل فرهنگی، ارزشی و هنجاری بیش از پیش نمایان گشته و تهدیدات آمریکا بیش از گذشته بر این محور استوار گردیده است. این مقاله به دنبال آن است که راهکارهای مورد استفاده را شناسایی نموده و روش‌های کنترل و مدیریت آن را مشخص کند.

بیان مساله

مساله اساسی ما در شرایط کنونی و در محیط ملی، بین‌المللی و جهانی از تقاطع پنج موضوع اساسی و پایه ناشی می‌شود. در محیط ملی «توسعه همه‌جانبه»، «نظام سیاسی برآمده از مردم و متکی بر مردم» و «شکل‌گیری و رشد و نمو جریان‌های فکری، فرهنگی و سیاسی غرب‌گرا در یکصد سال گذشته در ایران» و در محیط بین‌المللی «گسترش نقش، نفوذ و اعتبار سازمان‌های فروملی و فراملی غیردولتی» و در سطح جهانی «تسهیل ارتباطات و جریان اطلاعات از طریق فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطی» و پیوند آنها با هدف بزرگ آمریکا یعنی تفوق و سلطه هژمونیک بر نظام

بین الملل و خصوصاً خاورمیانه از مجرای تغییرات بنیادین فکری، فرهنگی و هنجاری، عوامل اصلی را در این خصوص شکل می دهند.

در این میان جمهوری اسلامی به عنوان ملت و کشوری که خود دارای مکتب سیاسی، فکری و فرهنگی بوده و از یک قدرت هژمونیک برخوردار است به مانع اصلی آمریکا در منطقه تبدیل شده و آمریکا به طور طبیعی تلاش خواهد کرد که تفوق هژمونیک خود را نه تنها بر منطقه بلکه محیط جمهوری اسلامی نیز اعمال نماید. لذا تهدیداتی مبتنی بر الگوهای فکری، فرهنگی و هنجاری علیه جمهوری اسلامی شکل داده و به اجرا گذاشته است. این اقدام در کنار آسیب پذیری های برشمرده شده مشکلات مضاعفی برای جمهوری اسلامی پدید آورده است. اما از آنجا که بخش قابل توجهی از آسیب پذیری ها در این زمینه جزو ماهیت توسعه همه جانبه، پیامدهای نظام مبتنی بر مردم سالاری و ریشه دوانیدن جریان های فکری و سیاسی غرب گرا در ایران از یک سو و از سوی دیگر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات و نفوذ روزافزون سازمان های غیردولتی فراملی و فراملی می باشد، مشکل را پیچیده تر و عمیق تر نموده است.

با توجه به این توضیحات مسأله مورد توجه ما در این تحقیق در دو محور «پدیده های تهدیدزای نوظهور» و «سازوکارها و سازمان مقابله با تهدیدات نوظهور» می باشد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به عوامل پنج گانه، در حال حاضر ظهور و گسترش بطنی و یا پنهان سازمان های غیردولتی و برخی از تحرکات در قالب نمایش های جنبش گونه اجتماعی خصوصاً در عرصه الگوهای مشارکت سیاسی حمایت از حقوق بشر، مطالبات جنسیتی، حقوق نوین کارگری و پرسشگری دانشجویی در حال خودنمایی و یا تحمیل الگوهای رفتاری حوزه مقبول نظام سیاسی است. این سازمان ها و جنبش ها در حال حاضر تلاش دارند تا با رویکردهای مطالباتی خود محیط های مهم کارگری، دانشجویی، دانش آموزی، روشنفکری، مطبوعاتی و زنان را در نور دیده و یادگیری سیاسی و اجتماعی نمایند و این در حالی است که دولت آمریکا در راهبردهای خود در خصوص جمهوری اسلامی ایران حمایت از این جنبش ها و سازمان های غیردولتی را به گونه ای که منجر به رودررویی

بیشتر آنان با نظام سیاسی گردد در دستور کار خود قرار داده و به اشکال مختلف سعی دارد حرکت های زاویه ای و شکاف آنان با جمهوری اسلامی، بیشتر شده و یا بیشتر با الگوهای رفتاری لیبرالیستی و سکولاریستی هماهنگ گردند.

مسأله بعدی به سازوکار و سازمان مقابله با سازوکار هدایت پنهان و آشکار آمریکا در این خاستگاه های سیاسی اجتماعی و تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی باز می گردد. در این چارچوب مهم ترین مسأله به جزیره ای عمل کردن این سازمان ها باز می گردد. سازمان های مختلف خط مقدم مبارزه با تهدیدات نرم آمریکا به تناسب حساسیت ها، درک، برداشت و گرایش های صنفی خود و مدیران ارشد آن با تهدیدات نرم برخورد می کنند.

با توجه به بررسی مقدمات موجود، شاید در یک جمع بندی نسبی در زمینه مواجهه با تهدیدات نرم آمریکا بتوان گفت رشد جنبش ها، سازمان ها و حرکت های غیردولتی در عرصه های دانشجویی، روشنفکری، کارگری، زنان و حقوق بشر در بستر آزادی و مردم سالاری فراهم آمده در محیط ملی جمهوری اسلامی و برخی عوامل هژمونیک برشمرده شده در محیط بین المللی و جهانی و نمایان گردیدن برخی تغییرات و مطالبات در قالب الگوهای فکری، فرهنگی و هنجاری غیر بومی در کشور از ناحیه این فعالیت ها از یک سو و از سوی دیگر وجود هدف بزرگ سلطه و تفوق بر نظام بین المللی و خاورمیانه از سوی آمریکا و مقابله و رویارویی جمهوری اسلامی ایران با چنین هدفی، منجر به شکل گیری تهدیدات آمریکا بر بسترها و زمینه های متعدد ناشی از این گونه مطالبات در ایران گردیده است. این در حالی است که ماهیت و شرایط فعلی در محیط ملی جمهوری اسلامی ایران و همچنین محیط های بین المللی و منطقه ای، مدیریت این حرکت ها و مطالبات را الزامی نموده و حذف این حرکت ها را در صورت هم راستایی با اهداف سلطه ضروری می داند.

این تحقیق پیرامون رویکرد جمهوری اسلامی در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی هدف گیری شده است و امید دارد تا بتواند :

به بهبود مدیریت امنیت ملی کشور در خصوص تهدیدات نرم ایالات متحده آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کمک نماید، به گونه ای که بتوان از این ناحیه

به کاهش، خنثی‌سازی، مهار و یا حتی بازدارندگی آمریکا از تهدید نرم علیه جمهوری اسلامی ایران دست یافت.

روش تحقیق

از آنجا که تدوین راهبرد منجر به ترسیم روش، ابزار، اهداف و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات نرم آمریکا خواهد شد، از این رو با روش تحلیل ثانویه و میزگردهای نخبگی می‌توان مسؤلیتی را برای سازمان‌ها و نهادهای درگیر توصیه نمود و جهت‌گیری فعالیت آنان را به سوی اهداف مشخصی سوق داد. این مقاله با چنین رویکردی هدف خود را شناخت چستی و چگونگی شکل‌گیری تهدیدات نرم و نیز شناسایی، تعیین و اولویت‌بندی تهدیدات نرم آمریکا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرارداده تا در ادامه آن بتواند رویکردهای آمریکا را در فعال‌سازی تهدیدات نرم علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شناسایی و مدیریت نماید.

چستی و چگونگی بروز تهدید نرم

تهدید، مفهومی انتزاعی است که درهم تنیدگی عمیقی بامفهوم امنیت ملی دارد. بحث از امنیت و امنیت ملی همراه با موضوع تهدید است و همچنین نمی‌توان از تهدید صحبت به میان آورد ولی امنیت ملی و تأثیر آن را نادیده گرفت. به دلیل انتزاعی بودن مفهوم تهدید، تعریف تصمیم‌گیرندگان و مردم هر کشور از امنیت ملی، تأثیر بر درک آنها از تهدید دارد. ادراک پدیده، ارتباط با مسائل روانشناختی داشته و فرد، سازمان ادراکیش متناسب با وراثت، شخصیت، تجارب و زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. درک تهدید نیز به وسیله سازمان ادراکی، ادراک می‌شود و بدیهی است ادراک افراد از یک پدیده واحد متفاوت بوده و زمینه تفاوت و سوء برداشت را ایجاد می‌نماید.

مفهوم «قدرت نرم»^۱ اولین بار توسط «جوزف نای» در سال ۱۹۹۰ مطرح گشت. [۴] وی این مفهوم را برای نخستین بار این‌گونه تعریف نمود که «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم از طریق جذب به جای اجبار به دست آوریم». [۵] «نای» با وجود این که می‌پذیرد قدرت نرم و قدرت سخت^۲ درهم تنیده‌اند، اما معتقد است قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست. در این خصوص برخی معتقد

1. Soft Power
2. Hard Power

هستند دیگران را از طریق تهدید می‌توان وادار به انجام کاری کرد، اما برخی نیز معتقد هستند دیگران را می‌توان از طریق پاداش با خود همراه نمود. بنابراین چنانچه طرف مقابل، ما را مشروع تلقی کند، می‌توان بدون اعمال زور او را با خود همراه نمود. این همان چیزی است که در قدرت نرم مطرح می‌شود. بنابراین می‌توان گفت قدرت نرم، توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار یا امتیاز می‌باشد. [۶]

به نظر «نای» اساس قدرت نرم بر ارزش‌ها نهاده شده است، در فرهنگ و نحوه رفتار با کشورها در سطح بین‌المللی و در واقع ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور. بنابراین چنانچه سیاست خارجی یک کشور بتواند باعث ترویج ارزش‌های مطلوب و بهره‌گیری از عنصر فرهنگ شود، قدرت نرم قابل توجهی در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است. بر این اساس اگر بخواهیم میان فرهنگ و سیاست خارجی ارتباطی را مشاهده کنیم، کافی است الگوهای رفتاری و تعهدات سیاسی را در یک پروسه زمانی نسبتاً بلندمدت مورد توجه قرار دهیم. [۷]

نظریه قدرت نرم، میان قدرت نرم و تبلیغات تفاوت قائل گردیده است. بر این اساس قدرت نرم برای توصیف توانایی یک مجموعه سیاسی، مانند دولت به کار می‌رود. توانایی که به طور مستقیم بر رفتار یا منافع سایر نهادهای سیاسی به شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک تأثیر گذار است. این مفهوم در برابر قدرت سخت قرار دارد که بر توانایی‌های مادی متکی است.

توصیف «نای» از منابع قدرت نرم، مرز میان قدرت نرم و تبلیغات را از نظر وی نشان می‌دهد. بر این اساس منابع قدرت نرم شامل: (۱) فرهنگ، زمانی که بتواند دیگران را جذب خود کند. (۲) ارزش‌ها، وقتی که در به کارگیری آن فریب و تزویر نباشد (۳) سیاست خارجی، زمانی که در چشم بقیه مشروع جلوه کند، می‌باشد. چنانچه این شرایط مهیا نباشد فرهنگ و تفکرات الزاماً جذابیتی که برای حصول رفتار مبتنی بر قدرت نرم ضروری است حاصل نمی‌نماید. [۸] بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از نظر نای مرز میان قدرت نرم و تبلیغات در فریبکارانه نبودن، مبتنی نبودن بر تزویر و دروغ می‌باشد.

در یک جمع‌بندی با توجه به سازمان معنایی، ابعاد، شاخصه‌ها و منابع در نظریه

قدرت نرم، می‌توان استنباط نمود که اصولاً فرایند پیدایش تهدید در نظریه قدرت نرم ناقص خواهد بود. زیرا براساس دیدگاه‌های «نای» در قدرت نرم، تزویر، دروغ، فریب‌کاری نمی‌تواند جایگاه داشته باشد و اصولاً قدرت نرم باید از طریق استدلال، رضایت و اقناع منتقل شود. همچنین قدرت نرم تبلیغ یا عملیات روانی نیست. بنابراین تهدید که یک سمت آن اقدامات گفتاری و یا رفتاری خصمانه تهدیدکننده حداقل در مرحله نیت می‌باشد، شکل نخواهد گرفت زیرا شکل‌گیری قدرت نرم با اقدامات گفتاری یا رفتاری خصمانه منافات دارد. اما یک سمت دیگر تهدید که قضاوت بازیگر مقابل می‌باشد می‌تواند شکل گرفته و چنین بازیگری از اقدامات گفتاری و رفتاری غیرخصمانه طرف مقابل احساس تهدید کرده و نسبت به آن حساسیت و عکس‌العمل نشان دهد.

ابعاد تهدید نرم

تهدید نرم نیز همانند تهدید سخت دارای ابعاد مختلفی از جمله بُعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... می‌باشد که تجلی و نمود تهدید نرم در ابعاد اجتماعی سیاسی و فرهنگی به نسبت سایر ابعاد بیشتر بوده و از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. همان طوری که «بوزان» می‌گوید می‌توان نتیجه گرفت که جوهره دولت بیشتر سیاسی، اجتماعی است و نه فیزیکی و ردگیری جوهره دولت تا سطح اجتماعی، سیاسی سرنخ مهمی برای یافتن روش برخورد مناسب با ایده امنیت ملی را به ما می‌دهد. به عبارتی اگر قلب دولت در ایده ای باشد که در اذهان مردم جای دارد، پس خود این ایده موضوع اصلی امنیت ملی است. [۹]

۱- **تهدید نرم در حوزه سیاسی:** تهدید اعم از سخت و نرم در حوزه سیاسی به دنبال ایجاد بی ثباتی در سازمان دولت است. ایدئولوژی به عنوان مجموعه ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها راجع به نظام و کنش سیاسی، اجتماعی و چگونگی اجرای آنها در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی به گونه ای که هویت و ماهیت واحد سیاسی را شکل می‌دهد و مشروعیت آن را تضمین می‌کند.

۲- **تهدید نرم در حوزه فرهنگی - اجتماعی:** در بُعد فرهنگی نیز مواردی از قبیل فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها، هویت، توان سیاسی و... از جمله مؤلفه‌هایی هستند که فقدان و یا مخدوش شدن آنها، در حدّ زیادی می‌تواند زمینه ساز تهدیدات نرم داخلی و

حتی شکل گیری تهدیدات سخت افزاری و حمله نظامی دشمنان بیگانه را نیز فراهم آورد. در کل هرگونه اقدامی که منجر به تغییر در الگوهای رفتاری منطبق با ارزش‌های نظام حاکم باشد در زمره تهدیدات نرم آن حوزه قرار می‌گیرد.

۴- تهدید نرم در حوزه دفاعی - امنیتی: هرگونه اقدامی که منجر به تغییر در فرهنگ و الگوهای دفاعی گردد در زمره تهدیدات نرم حوزه نظامی قلمداد می‌شود. تهدیدات نرم در حوزه نظامی می‌تواند منبث از وابستگی به تولیدات علمی و آموزشی ناکار آمد دشمن باشد.

منابع تهدید نرم

تهدید نرم برای این که بتواند در هدف مؤثر گردد، نیازمند به یک سری بستریها و زمینه‌هایی است که باید در هدف وجود داشته باشد تا تهدید آنها را فعال نماید و از آن طریق سطحی از منافع را مخدوش نماید.

۱- رسانه‌ها: درالگوی مدرن امنیت، رسانه‌ها با ایجاد تحول در باورها، ارزش‌ها، اعتقادات، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه زمینه را برای اقناع و پذیرش فراهم می‌کند. این وضعیت باعث شده تا پیام‌ها، نمادها، اخبار و اطلاعات اهمیت خاص پیدا کند.

۲- ایدئولوژی‌های معارض با ایدئولوژی نظام سیاسی مستقر: ایدئولوژی به عنوان یک طرح کلی که بیانگر خطوط اصلی و باید و نبایدها، اهداف، تکالیف، نیازها، مسئولیت‌ها و... یکی از مهم ترین منابع قدرت است، نقش اساسی در اعمال قدرت، بسیج منابع، مشروعیت بخشی به نظام سیاسی، شکل دهی افکار عمومی و... دارد.

۳- جذابیت و مطلوبیت سیاست‌ها و روندهای جاری عامل قدرت: بدیهی است اگر سیاست‌ها و روندهای دشمن برای بازیگر مورد تهدید قابل پذیرش نباشد، عملاً امکان شکل گیری تهدید نرم حریف وجود ندارد و تهدیدی منعقد نمی‌گردد.

۴- بهره‌مندی از فناوری ارتباطی قوی و کارآمد: بازیگر مهاجم برای این که

۱. خیلی‌ها معتقدند که رسانه‌ها صرفاً ابزار قدرت نرم تلقی می‌شوند اما نگارنده بر این باور است که رسانه‌ها می‌توانند دارای نقشی دو وجهی باشند یعنی درعین اینکه ابزار قدرت محسوب می‌شوند منبع قدرت هم باشند مانند تجهیزات نظامی که در عین اینکه ابزار قدرت است منبع قدرت نیز می‌تواند محسوب شود.

بتواند دیگران را از طریق امکانات رسانه‌های اش تحت تأثیر قرار دهد لازم است که از امکانات و فناوری ارتباطی روز برخوردار باشد.

۵ - برخورداری از شبکه روابط وسیع و کارآمد با عناصر مؤثر در هدف به گونه‌ای که بتوان از آن طریق دسترسی به اهداف را تسهیل نمود: بدیهی است زمانی که تهدیدات نرم توسط نخبگانی در لباس و کسوت خودی تبلیغ شود، ضمن این که از بیشترین اثر گذاری برخوردارند، کمترین مقاومت را نیز در مقابل خود احساس خواهند نمود.

۶ - برخورداری از یک دیپلماسی قوی و کارآمد و تأثیر گذار در هدف: این دیپلماسی پویا و کارآمد است که سیاست‌ها و روندهای دشمن را برای بازیگران مورد تهدید مطلوب و جذاب جلوه می‌دهد تا بدون هیچ گونه مقاومتی سیاست‌های حریف را بپذیرند.

۷ - هماهنگی لازم بین سیاست‌های اعلامی و سیاست‌های اعمالی: بدیهی است در مواردی که این هماهنگی وجود نداشته باشد این نقطه ضعف مانع از شکل گیری تهدید نرم حریف می‌گردد، لذا هماهنگی بین سیاست‌های مختلف حریف از منابع قدرت نرم حریف و منابع تهدید نرم بازیگر مورد هجوم تلقی می‌گردد.

امنیت نرم

دایره المعارف «ویکی میتبال»^۱ نیز امنیت نرم را در درجه اول متضاد امنیت سخت می‌داند. همچنین بیان می‌دارد که: امنیت نرم به جای استفاده از خشونت و حمله، بیشتر به دنبال دفاع و اقناع مردم علیه حمله است و کاهش صدمات را مدنظر دارد. امنیت نرم از نظر اجتماعی در موقع حمله نیز مؤثر است و کمک می‌کند تا انسان‌ها رفتار بهتری با هم داشته باشند و مانعی بر سر راه انسان‌هایی که ارزشی را به سیستم اضافه می‌کنند نگردند. [۱۰]

ساختار و مؤلفه‌های اساسی امنیت نرم

برای شناخت دقیق تر مفهوم امنیت نرم بررسی ساختار و مؤلفه های این نوع خاص

¹. Meatball Wiki

از امنیت به عنوان جمع بندی در تعریف امنیت نرم به شرح زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

فضای امنیت نرم: امنیت نرم در فضای «قدرت نرم»، «ارزش ها» و «تهدیدات نرم/ آسیب پذیری ها» نمایان می گردد. یعنی این که اعمال قدرت از سوی بازیگران، براساس شاخصه های قدرت نرم است. مبنای اصلی به جای منافع، ارزش ها است و تهدید و نوع مبارزه جویی نیز از نوع تهدیدات نرم است و بازیگران به آسیب ها بیش از تهدیدات توجه می نمایند.

کارکرد دولت: دولت در چارچوب امنیت نرم از دو کارکرد «خدمتگزاری» و «تربیت» برخوردار است. در این چارچوب تربیت با رها کردن مردم به حال خود و یا با اطاعت کورکورانه دولت از خواسته های مردم انطباق ندارد. بلکه به معنای پرورش، آگاهی و ترویج التزام عملی در میان مردم، تا به حد، رساندن آنان به یک منطق مشترک در برخورد با پدیده ها و ارزیابی مسائل مختلف خصوصاً در حوزه امنیت ملی است. در این چارچوب هدایت افکار عمومی از اهمیت به سزایی برخوردار است.

ملزومات امنیت نرم: چنانچه بخواهیم امنیت ملی را در چارچوب امنیت نرم سامان دهیم یا امنیت نرم در امنیت ملی برحسب ضرورت رضایت/ اجبار تعمیم یافته باشد، «قانون مداری»، «مردم سالاری»، «آزادی»، «مشارکت عمومی»، «آستانه بالای تحمل سیاسی»، «اقتدار معنوی دولت»، «الگومحوری» از ضروریات آن می باشد. چنانچه به این موارد توجه نشود و یا در آن دچار ضعف و مشکل باشیم امنیت نرم به عنوان امنیت ملی دچار آسیب پذیری و خطر خواهد گردید.

سطح امنیت در امنیت نرم: در امنیت نرم، امنیت ملی بیش از آن که از محیط خارجی متأثر باشد از محیط داخلی متأثر است. یعنی در واقع امنیت در محیط داخلی شکل می گیرد و به «هویت ملی»، «ایدئولوژی دولت»، «عقاید اساسی»، «روابط و ساختارهای اجتماعی» و «هنجارهای پذیرفته شده و رواج داشته در جامعه» بستگی دارد. بر این اساس دوست و دشمن، خودی و غیر خودی، تهدید و فرصت مشخص می گردد. از سوی دیگر امنیت انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است و «ترویج معنویت و ایمان» به علاوه «توسعه انسانی» دو هدف مرجع اساسی در امنیت انسانی می باشد.

اهداف مرجع امنیت نرم

با وجود پذیرش اصل وجود امنیت نرم در تمامی ابعاد امنیت، برخی از اهداف مرجع امنیت^۱ به علت ماهیت اجتماعی آنان و ریشه داشتن آنها در زیربنای امنیت یعنی روابط و ساختارهای اجتماعی نقش بسیار مهمی را در امنیت نرم ایفا می‌نمایند. در واقع آنها اصل و اساس اهداف مرجع امنیت نرم را تشکیل می‌دهند. بر این اساس مهم‌ترین اهداف مرجع در چارچوب امنیت نرم عبارتند از:

۱- **ایدئولوژی دولت:** ایدئولوژی یا ایده دولت در واقع اصول و عقاید اساسی و منطق راهنمای عمل یک دولت می‌باشد. یک ایدئولوژی زمانی می‌تواند به عنوان ایده دولت انتخاب شود که قدرت سازمان‌دهنده داشته باشد. ایده دولت می‌تواند مبتنی بر ملیت، مبتنی بر یک مکتب فکری یا دینی یا مبتنی بر آرمان‌ها یا اهداف ملی باشد.

۲- **مشارکت سیاسی:** مشارکت سیاسی را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال تعریف کرد که شهروندان به وسیله آن اعمال در جستجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی می‌باشند. [۱۱]

نوع مشارکت مورد نظر جمهوری اسلامی که در قانون اساسی به آن تصریح شده است، مشارکت فعال است. یعنی مشارکتی که هم برای حمایت از نظام سیاسی است و هم برای حضور، رقابت و نفوذ در سیاست‌های نظام سیاسی کشور می‌باشد.^۲

۳- **کارآمدی حکومت:** این هدف مرجع را می‌توان به توانایی دستگاه‌های دولتی در انجام درست و مؤثر وظایف قانونی و مورد انتظار جامعه معنا نمود. بر این اساس می‌توان کارآمدی را به توانمندی حکومت در حل مسایل مردم، توانمندی حکومت و دستگاه‌های تابعه در انجام امور ذاتی دولت‌ها خصوصاً حفظ امنیت کشور و توانمندی

۱. اهداف مرجع چیزهایی هستند که از لحاظ وجودی در معرض تهدید باشند و ادعای مشروع ادامه بقاء را در چارچوب امنیت ملی با خود به همراه داشته باشند.

۲. مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در خصوص انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ شرکت مردم در انتخابات را هم حق و هم تکلیف دانست. به نظر می‌رسد حق دانستن ناشی از حق مردم در نفوذ، رقابت و حضور در سیاست‌های حکومت است و تکلیف از جهت ضرورت حمایت از مشروعیت نظام سیاسی.

دولت در انجام درست کارهای درست تفسیر نمود.

۴- هویت ملی: هویت ملی یک کل سیاسی - اجتماعی می باشد که حداقل در یک واحد سرزمینی قرار دارد و می تواند به صورت یک تمدن نیز ظاهر شود و مرزهای جغرافیایی یک کشور را پشت سر گذاشته و چند کشور یا یک منطقه را شامل گردد. این نوع هویت در حوزه علوم سیاسی قرار دارد.

۵ - انسجام اجتماعی: معمولاً این حس در گذر زمان شکل می گیرد و هرچه ریشه در گذشته دورتر داشته باشد از استحکام بیشتری برخوردار است. [۱۲] واقعیت این است که جامعه ایران موزائیک کنار هم چیده اقوام است. اگرچه به ظاهر رنگ و لعاب های آن گوناگون، رنگارنگ و با نقش و نگارهای خاص خود، یگانه و بیگانه از هم می نماید، ولی در اصل فرش انداز یک جامعه اند، در زیر یک سقف حیات یافته و سرنوشت تاریخی - فرهنگی واحدی را رقم زده اند. همچنان که گاه خوشی و نیک انجامی در کنار هم زیسته اند و گاه سختی و بد فرجامی نیز به طور یکسان، پایان آن را به نظاره نشسته اند.

۶ - افکار عمومی: یکی از اهداف مرجع بسیار مهم در امنیت نرم، افکار عمومی است. بازیگران سیاسی اعم از دولت ها، احزاب و سازمان های اطلاعاتی به دنبال جذب عموم به مسائل خاص و مورد علاقه خود و یا بیان مسائل به شیوه های خاص برای مجتمع عنوان عموم پیرامون مسأله هدف گذاری شده می باشند.

۷- توان دفاعی - امنیتی حکومت: توان سیاسی - امنیتی به معنای توان تنظیم و اجرای سیاست های امنیت ملی، ارزیابی تهدیدات، تصمیم گیری در حوزه امنیت ملی، بسیج و تخصیص منابع می باشد. توان سیاسی - امنیتی به میزان «توافق عام ملی»، «تصمیم گیری جامع و منسجم» و «اجرای انعطاف پذیر و سریع» بستگی دارد. [۱۳]

۸- الگوی اقتصادی ملی

الگوی اقتصاد ملی را می توان به معنای شاخص ها، ویژگی ها و پارادایم خاص حاکم بر اقتصاد ملی دانست که موجب می شود مجموعه این اقتصاد در عمل بستر مناسبی برای رشد و تعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در جهت دستیابی به اهداف بلند آن فراهم آورد.

۹- رفاه عمومی

رفاه عمومی یعنی رسیدن به سطحی از برخورداری همگانی که بتواند نیازها و نیز توقعات مشروع و روزآمد عامه مردم را برآورده ساخته و امنیت انسانی را محقق سازد. بر این اساس در مقدمه قانون اساسی تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است.

استقرار تهدید نرم آمریکا علیه ج. ۱.۱.

آمریکا در سال ۲۰۰۲ یک راهبرد امنیت ملی در دوران جنگ برگزید که ضرورت آن ناشی از چالش بزرگی بود که در حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ پدید آمد. در عین حال آمریکا یکی از اهداف خود از انتخاب این راهبرد را «ایجاد تغییر برای ثبات» با برقراری دموکراسی در کشورهایی نظیر افغانستان و عراق می داند، تا الگویی باشد برای دیگر کشورها و برای دیگر اقدامات آن قدرت. از این رو روح حاکم بر مفهوم امنیت ملی آمریکا همچنان تداوم بقاء خود در خاک کشورهای رقیب و حریف می باشد. یعنی بقاء از طریق اعمال قدرت و مهار تهدید از طریق آن قدرت سخت افزاری که هیچ تلازمی با آموزه های لیبرالیستی به عنوان جنبه های نرم قدرت ندارد.

اهداف

جستجو در اهداف و اسناد راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ بیانگر این ادعاست. آمریکا سه هدف عمده را در ادامه سیاست های خود ادعا می کند که عبارتند از:

۱- فروپاشی حکومت های دیکتاتوری و استبدادی

۲- ارتقاء دموکراسی های کارآمد همسو با آمریکا

۳- تبلیغ و تقویت پیشگامی الگوی حکمرانی خوب در دنیا

در سند ۲۰۰۶ با صراحت حکومت هایی نظیر ایران و سوریه استبدادی معرفی می شوند زیرا این حکومت ها با همراهی ملت های خود نه تنها در برابر آمریکا مقاومت می کنند، بلکه برای حکومت ها و مردم سرزمین های دیگر نیز جنبه الگو پیدا می کنند. اگرچه آمریکا در راهبرد ۲۰۰۶ با صراحت فروپاشی حکومت های مستبد و ارتقاء

دموکراسی کارآمد را به عنوان دو هدف بیان کرده است اما در لابه لای سند یک هدف پنهان و نیمه پنهان هم به چشم می خورد و آن تقویت و تثبیت قدرت هژمونی آمریکا در عرصه های مختلف است، به نحوی که آمریکا بتواند پیشگامی ورهبری خود را در عرصه نظر بلکه در عمل هم را به دست داشته باشد.

سیاست‌ها

دو سیاست عمده در راهبرد امنیت ملی آمریکا برای این کار هدف گذاری شده است

۱- پیگیری و حمایت از جنبش‌ها و نهادهای مخالف در هر ملت و فرهنگ:

که به منظور اضمحلال حکومت‌های مستبد و در واقع مخالف سیاست‌های آمریکا هدف گیری شده است .

۲- دولت سازی (با تشکیل حکومت‌های مطلوب و مناسب):

که آمریکا در پوشش محافظت از ملت و ارزش‌های خود، در صدد است با رهبری تلاش بین‌المللی برای نابودی آنچه استبداد می نامدالگوی فرا استعماری خود را در سراسر جهان گسترش دهد». [۱۴]

چنین اقدامی در راستای حفاظت از منافع ملت و ارزش‌های آمریکا توصیف شده است.

بررسی رفتارها و کارکردهای آمریکا در طی سه راهبرد تنظیمی امنیت ملی آمریکا نشانگر آن است که آمریکا با استفاده از پوشش‌های ظاهر فریب امنیت نرم تلاش دارد حضور خود را در سطح خاور میانه تثبیت و این عمل را در قالب محدود سازی و مقابله نرم با دو کشور ایران و سوریه در قالب کارکردهای زیر دنبال کند .

۱- مقابله با ایدئولوژی اسلامی:

۲- حل و فصل مسائل منطقه‌ای بدون حضور ایران:

۳- جلوگیری از قدرتمند شدن حاکمیت‌های مخالف سیاست‌های آمریکا:

۴- کنترل رفتارهای سیاسی الهام بخش در خاورمیانه:

۵- رویارویی و منزوی سازی نظام جمهوری اسلامی ایران:

نگاهی به ابزار و روش‌های پیاده سازی راهبردهای نرم محور در آمریکا، نشانگر آن است که همه ابزارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک و ابزارهای دیگر مکمل آن در

راستای براندازی نرم ج.ا.ا هدف گیری شده است که عمدتاً عبارتند از :

- ۱- ترغیب به اقتصاد و تجارت آزاد و دور از کنترل دولت
 - ۲- حمایت از NGOها و جنبش‌های اصلاح طلبانه غیر همسو با نظام
 - ۳- منزوی نمودن NGOها و نهادهای اصلاح طلبانه همسو با نظام
 - ۴- ترویج دیپلماسی عمومی از طریق رسانه های فرا مرزی
 - ۵- تشویق و ترغیب در تبعیت از طرح‌های ابتکاری همچون (خاورمیانه بزرگ و...)
 - ۶- پوشش دادن همه نیازهای مردم از رسانه‌ها، رادیو، تلویزیون
 - ۷- اعمال تحریم اقتصادی و فناوری و سیاسی
 - ۸- اختصاص کمک‌های بلاعوض به مخالفان سیاسی و اجتماعی دولت
 - ۹- مقابله ایدئولوژیک با ج.ا.ا در محافل علمی و فلسفی
 - ۱۰- جذب نخبگان و روشنفکران و واگذاری امکان مهاجرت یا مخالف خوانی
 - ۱۱- ممانعت از دستیابی کشور به دانش و فناوری نوین و پیشرفته
- تأکید آمریکا برای پیاده سازی این رویکردها و مخالفت و مقابله مردمی ج.ا.ا تا کنون سبب شکست آمریکا در این راستا شده است که راهبردهای نرم مقابله از سوی ج.ا.ا می تواند سبب شکست کامل این رویکرد در سطح منطقه خاورمیانه شود .

تجزیه و تحلیل عملکرد

به منظور اتخاذ رویکرد مناسب در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجارب حاصله از انقلاب های رنگی و نیز به استناد راهبرد ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ آمریکا توانمندی و قابلیت های ج.ا.ا مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در مجموع نه هدف مرجع (موضوع اساسی) مرتبط با امنیت ملی در مطالعه ادبیات تهدیدات نرم در کشور احصاء شده و سپس در مورد جمع آوری اطلاعات در قالب مطالعه محیط داخلی (قوت و ضعف) و محیط خارجی (فرصت و تهدید) مرتبط با اهداف مرجع نه گانه از طریق پنجاه و هفت نفر از خبرگان در چهار حوزه سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، و دفاعی - امنیتی اقدام شد. با بهره گیری از نظرات متخصصین و با استفاده از روش دیوید (طرح تدوین راهبردی)، پس از تعیین موقعیت و اقدام راهبردی (SPACE) در هر یک از اهداف مرجع نه گانه رویکردهایی اتخاذ گردید.

ضرورت تعیین راهبرد مقابله با تهدیدات نرم آمریکا ایجاب می نمود تا راهبرد های سی شش گانه در معرض قضاوت پنج تن از مسئولین نهادهای و کانون های امنیت ملی قرار گیرد. نتیجه این روند، تمایز هفده راهبرد بود که از قابلیت اجرایی، تناسب بیشتر با تهدیدات نرم آمریکا، مشارکت زایی بیشتر برای انجام و امکان اقدام سریع و کم هزینه تربودن نسبت به سایر راهبردها برخوردار بودند.

راهبرد های پیشنهادی بیانگر آن هستند که جمهوری اسلامی ایران بیشترین توانمندی مقابله خود را در حوزه تهدیدات نرم آمریکا باید به ترتیب در حوزه فرهنگی - اجتماعی چهل یک درصد، حوزه سیاسی بیست و نه درصد، حوزه اقتصادی هجده درصد و حوزه دفاعی - امنیتی دوازده درصد قرار دهد.

نتیجه گیری

مهم ترین توصیه راهبردهای حاصله مبین آن است که ج.ا.ا باید محورهای زیر را در حوزه توانمندی های خود بیشتر مورد توجه قرار دهد و مقابله با تهدید نرم را تشدید کند. رویکردهای غالب منتخب عبارتند از:

- ارتقاء اعتماد عمومی نسبت به رسانه های ملی از طریق پیشگامی، فراگیری و صراحت در اطلاع رسانی اثربخش
 - تولید ادبیات فراگفتمانی در حوزه های ایرانی - اسلامی با استفاده از ظرفیت های موجود در فرهنگ غنی ملی و دینی
 - ترویج و توسعه جامعه مدنی دینی و تبیین جایگاه حقوقی انسان در آن با استفاده از منابع مکتبی و سیره علمی و عملی حضرت امام (ره)
- این رویکردها ناظر بر این است که تهدیدات نرم دشمن در این حوزه درصدد پی جویی کاهش اعتماد مردم به رسانه های خودی، تعمیق شکاف های نسلی، نشان دادن و بزرگنمایی تبعیض بین قومیت ها و مذاهب، جایگزینی ادبیات و گفت مان های لیبرالی به جای گفتمان های ملی و افزایش تعصبات و هویت های قومی به جای هویت های ملی می باشد.

اما در حوزه سیاسی رویکردهای منتخب و مقابله در برابر غرب عبارتند از:

- روان سازی و ایجاد فهم ملی و بین المللی از ایدئولوژی دولت از طریق تربیت و یا جذب نخبگان ایدئولوگ طرفدار انقلاب اسلامی در نقاط کلیدی جهان

- مهندسی گروه های مرجع و نخبه مشارکت ساز به منظور تسهیل در حضور سالم نیروهای خودی

- کم کردن فاصله (بین تئوری و عمل در) ارزش های اسلامی و منافع ملی جمهوری اسلامی در سطح داخلی و جهان اسلام.
در حوزه اقتصادی نیز رویکردهای غالب می تواند عبارت باشد از :

- تسریع در تمهید زیرساخت ها از طریق انسجام بخشی مدیریت اقتصادی کشور در جهت رقابت پذیر نمودن تولیدات اقتصادی در بازارهای منطقه ای و جهانی

هدف رفاه عمومی "تمهید" زیرساخت ها از طریق انسجام بخشی مدیریت اقتصادی کشور می باشد که تأثیر مستقیم در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق افزایش سطح رفاه عمومی دارد. جهت این رویکرد تمهید ابزارهای تضمینی و تشویقی برای نشان دادن امنیت سرمایه گذاری می باشد.

در موضوع دفاعی - امنیتی با وجود حمایت بی دریغ و منسجم مردم از اهداف انقلاب اسلامی به نظر می رسد باید به :

- ارتقاء سطح توجه به حقوق امنیتی کشور در امنیتی تلقی شدن تهدید نرم براندازانه توجه نمود. این رویکرد نشان دهنده ضرورت توجه به حفاظت از زیر ساخت های نرم امنیت ملی کشور است که به منظور حمایت از این کارکرد باید ساختار و توان عملیات روانی و مقابله با تهدیدات نرم امریکا در دستگاه های نظامی ، انتظامی و امنیتی نظام تقویت شود. فرهنگ فداکاری و ایثارگری دوران دفاع مقدس در اوج توجهات دفاعی قرار گیرد و از الگوهای ایثار و فداکاری به نحو مناسب در جامعه و رسانه ملی با هدف ارتقاء منزلت نیروهای دفاعی - امنیتی تجلیل شود.

- ۱- حسن حسینی، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر: القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران: ۱۳۸۳، ص ۱۷.
- ۲- بنگرید به:
- National Security Strategy, white house, 2002
(www.whitehouse.gov/nsc/nss.pdf)
National Security Strategy, white house, 2006
(www.whitehouse.gov/nsc/nss/2006/nss2006.pdf)
- ۳- حسینی، همان، صص ۱۱۰-۱۰۴.
- 4-Joseph S. Nye, "The Misleading Metaphor of Decline", The Atlantic, 1990.
- 5- Joseph S. Nye, "Soft Power: The Means to Success in world Politics", Book Discussion Carnegie Council of Ethics and International Affair, 2004, p. 3
- 6-Joseph S. Nye, "The Paradox of American Power: Why The World's only Super Power Can't Go It Alone" Book Discussion, Carnegie, 2002, p. 2
- 7-Ibid, p. 3.
- 8-Joseph S. Nye, "Propaganda Isn't the War: Soft Power", The International Herald Tribune, January 10, 2002.
- ۹- بوزان، باری، دولت، مردم و هراس، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸
- 10-http://www.usemod.com/cgi-bin/mb.pl?softsecurity
- ۱۱- داود قیومی، مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱، تابستان ۷۷.
- ۱۲- محمود سریع القلم، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، چاپ سوم، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲، ص ۳۳
- ۱۳- دوارد آذر و چونگ - این مون، «مشروعیت، یکپارچگی و توان سیاست‌سازی»، در ادوارد آذر و چونگ - این مون، امنیت ملی در جهان سوم، پیشین، ص ۱۳۲.
- 14-http://www.rissna.ir/Document/us-nss.pdf



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی